

واکاوی وضعیت بیع موی طبیعی

ودیعه طهماسب پور^۱

محمد حسین تقی پور درزی تقی^۲

حسین خانلری بهنمیری^۳

چکیده:

علیرغم اینکه درخصوص معامله اعضای بدن انسان، پژوهش های زیادی صورت گرفته است، اما درخصوص وضعیت معامله موی طبیعی پژوهش علمی مشاهده نشده است. مساله مستحدثه ای که به ظاهر نمی توان بر آن اشکالی وارد کرد، اما موجب بروز اختلافاتی بین فقها شده است. با این توضیح که، در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه، خرید و فروش موی طبیعی انسان مشروط بر رعایت شرایط صحت قرارداد؛ با منع قانونی، شرعی یا اخلاقی مواجه نیست. اما برخی از فقهای اهل سنت با دیدگاههای مخالف بر این باورند؛ که فروش و استفاده از موی انسان به دلیل تعارض با اصل احترام به کرامت انسانی و لزوم حفظ شأن انسان، جایز نیست. با این حال، با توجه به اینکه مفاهیم کرامت و اهانت، نسبی و وابسته به زمان و مکان بوده و با در نظر گرفتن تغییرات عرفی جامعه، بویابی دین اسلام در مواجهه با مسائل نوپدید و نیازهای روز جامعه، می توان این دیدگاه ها را تعدیل نمود.

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ایمیل: vadieh1381@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: mh.taghipour@umz.ac.ir

۳- استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران، ایمیل: h.khanlarib@yahoo.com

در این تحقیق سعی شده که با بررسی منابع فقهی و حقوقی مرتبط، به ایرادات مخالفان فروش موی انسان پاسخ داده و ابهاماتی را که به دلیل نوظهور بودن موضوع و نبود حکم قانونی مشخص در این زمینه وجود دارد؛ از جمله شرایط خاص این نوع معاملات، حکم فروش موی زن بدون اجازه شوهر، فروش موی افراد محجور توسط اولیا و سرپرستان، معامله موی طبیعی بین زن و مرد و بالعکس پاسخ دهد.

واژگان کلیدی: بیع مو، معاملات جایز، فروش اجزای بدن، مالکیت بر جسم، کرامت انسانی

موضوع خرید و فروش موی طبیعی از جنبه های مختلف فقهی، حقوقی و اجتماعی، جایگاه قابل توجهی در مباحث معاصر دارد. در جوامع امروز، استفاده از موهای طبیعی در صنعت مد و زیبایی، ساخت کلاهگیس یا موی مصنوعی و پروتزهای مو برای افرادی که دچار ریزش مو یا بیماری هایی مانند سرطان هستند، به یک نیاز روزافزون تبدیل شده است و به جهت استقبال گسترده مردم از این محصولات، روزانه معاملات متعددی در جهت خرید و فروش موی انسان منعقد می گردد. عموماً مسائل مستحدثه به جهت خلاء قانونی چالش هایی را به همراه دارند و مسئله ی خرید و فروش موی طبیعی نیز از این قاعده مستثنی نیست، لذا امروزه با پرسش هایی درباره وضعیت صحت این معامله و شرایط لازم برای این قبیل خرید و فروش ها مواجه هستیم. از دیدگاه فقهی، مسائل مرتبط با خرید و فروش اعضای بدن، از جمله مو، همواره یکی از مباحث مورد بحث در میان فقها بوده است. سؤال اصلی این است که آیا انسان مالک بدن خود است و میتواند اجزای آن را به فروش برساند؟ در فرض جواز فروش اجزا و تولیدات بدن از قبیل موی انسان، چه نکاتی علاوه بر عمومات صحت قرارداد باید مدنظر قرار گیرد؟ همچنین، موضوعاتی مانند نجاست، حرمت اهانت به بدن و نیت شخص فروشنده که در اصطلاح حقوقی مشروعیت جهت نامیده می شود نیز در این زمینه محل تامل خواهد بود و به ویژه در نظام فقهی اسلامی، درک این مسئله نیازمند تحلیل مبانی نظری مرتبط با کرامت انسانی، حق تصرف در بدن و جایگاه مو در احکام شرعی است.

از جنبه حقوقی، علاوه بر اینکه خرید و فروش موی طبیعی باید در چهارچوب قوانین مدنی و تجاری مورد بررسی قرار گیرد؛ جدای از بحث قانون بایستی به رعایت جنبه های اخلاقی و انصافی در خصوص معاملات مربوط به جسم انسان توجه شود.

آنچه در پژوهش های سابق مورد بررسی نویسندگان قرار گرفته درخصوص خرید و فروش اعضای بدن انسان و یا اهدای عضو بوده و تا کنون منبعی که به طور تفصیلی بیع تولیدات بدن از جمله موی انسان را تشریح نموده باشد موجود نیست .

در مباحث پیش رو نگارنده بر آن است تا ضمن بررسی مبانی فقهی و حقوقی خرید و فروش موی طبیعی، دیدگاههای مختلف علما و حقوقدانان را شرح داده و با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای جدید، راهکارهایی را برای تبیین صحیح این مسئله ارائه دهد. در نهایت، امید است که این پژوهش بتواند به روشن تر شدن ابعاد مختلف این موضوع و ارائه راه حل های متناسب با چالش های موجود کمک کند.

۱- بیان کلیات و امکان سنجی معامله ی اجزای بدن :

از دیرباز اقسام مختلفی از معاملات با در نظر گرفتن نیاز هایی که برای اشخاص ایجاد می شد رواج یافت و با پیشرفت علم و ایجاد مسائل جدید ؛ به تدریج شکل و شیوه ی این قرارداد ها دستخوش تحول گردید به گونه ای که امروز شاهد نقل و انتقال چیزهایی از قبیل ارز دیجیتال ، اجزای بدن انسان ، نرم افزارها و امثال این موارد هستیم که بعضا در سالیان گذشته محال یا ناممکن بنظر می رسید ولی طی گذشت زمان و در جهت رفع نیاز های بشر عقل و عرف جواز چنین معاملاتی را تایید نمود.

بحث و بررسی درخصوص موضوع معامله ، یا کالایی که به فروش می رسد از گذشته تاکنون در کتب و اقوال فقها و حقوقدانان از موضوعات حائز اهمیت بوده و هر یک از آنها سعی داشته اند با در نظر گرفتن ضوابط و معیار هایی جواز یا بطلان معاملات را تبیین نمایند ، به همین جهت نظریات مختلفی در این خصوص بیان گردیده است.

برخی از فقها برای صحت معامله شرط وجود منفعت عقلایی را مدنظر قرار داده اند و معتقدند چنانچه در خرید و فروش کالایی منفعتی مشروع و متعارف وجود داشته باشد آن مال قابلیت نقل و انتقال را ضمن عقد بیع خواهد داشت . (مسجد سرائی ، ۱۳۸۸ ، ۵۹) و برخی دیگر از فقها نیز فروش هر آنچه که در آن نفع و مصلحتی مشروع در جهتی از جهات وجود داشته باشد را جایز دانسته اند و لذا با این دیدگاه طیف وسیعی از کالاها که مورد نیاز اشخاص است و معامله ی آن سودمند باشد قابل خرید و فروش خواهد بود (انصاری ، ۱۴۳۰ ، ص ۱۶۶-۱۶۷) و (حسین ابن شعبه حرانی ، ۱۳۸۷ ، ص ۶۰۱).

نظر به اینکه امروز خرید موهای طبیعی به قصد به کارگیری آن در صنعت آرایشی و بهداشتی ، ساخت پروتز مو یا موی مصنوعی ، عروسک سازی و کاربردهای مشابه انجام می شود ، درخصوص صلاحیت داشتن این موضوع برای معامله و منفعت عقلایی آن تردیدی وجود ندارد. در میان حقوقدانان و مواد قانونی نیز برای اینکه کالایی قابلیت فروش را داشته باشد وجود برخی از شرایط در آن ضروری می باشد که در ادامه به شرح آن درخصوص موضوع محل بحث، یعنی خرید و فروش موی طبیعی خواهیم پرداخت .

۲- رابطه ی انسان با جسم او :

برای اینکه اشخاص بتوانند اجزای بدن خودشان را در قالب عقود مختلف به صورت معوض یا بلاعوض منتقل یا واگذار نمایند ، مشابه سایر تصرفات قانونی باید نسبت به آن مالکیت داشته یا حق انجام چنین عملی برای آنها وجود داشته باشد.

مالکیت در لغت به معنی مالک بودن و حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و میتواند هر گونه تصرفی در آن بکند بجز آنچه که مورد استثنای قانون است . (دهخدا ، ۱۳۷۷ ، ج ۱۳ ، ص ۱۹۹۹۸)

در تعریف حقوقی نیز مالکیت عبارت است از حق استعمال و بهره برداری و انتقال یک چیز به هر صورت ، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد . (جعفری لنگرودی ، ۱۳۸۱، ص ۵۹۹)

به همین جهت در ابتدا این سوال مطرح می گردد که آیا میتوان اعضای بدن را ملک انسان دانست و در آن تصرف مالکانه نمود یا اینکه برای انسان صرفا حق انتفاع و بهره برداری از جسم در طی حیات وی وجود دارد؟ چنانچه انسان مالک جسم خود باشد این حق را خواهد داشت که اجزای بدن خود را ذیل عقود مختلف قانونی به دیگران منتقل نماید.

برخی فقها قائل بر این هستند که انسان بر جسم و نفس خود سلطه دارد و به همین جهت می تواند هر گونه که بخواهد در آن تصرف نماید . (مؤمن قمی ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۶۳)

بنای عقلا نیز بر این می باشد که انسان ها بر اموال و نفس خود مسلط بوده و دارای حق تصرف در آن می باشند ، و نزد شارع نیز این قاعده در جهت حمایت از آزادی و عدم سخت گیری بر بشر پذیرفته شده است . (محسنی ، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷)

مرحوم دکتر شهیدی نیز معتقدند انسان نسبت به اعضای بدن خود از مالکیت برخوردار است ، زیرا تصرف و حق اختصاصی نسبت به یک شیء موجب حصول مالکیت نسبت به آن می گردد و این مالکیت ذاتی از بارزترین مصادیق مالکیت حقوقی به شمار می آید. (شهیدی ، ۱۳۸۶، ص ۳۴۹)

برخلاف این افراد برخی از فقها بر این باورند که خرید و فروش عضو مقطوع از بدن صحیح نیست زیرا ملک فروشنده محسوب نمی گردد ، و انسان صرفا حق دارد از اجزای بدن خود مادامی که در قید حیات است بهره برداری و استفاده ی معقول نماید ، نه اینکه مالک بدن خود گردد . (فیض طالب ، ۱۳۸۸، ص ۲۰ و ۶۷)

به دیدگاه نگارنده نظر به اینکه امروزه تصرفاتی در جسم از قبیل اهدای خون، پیوند عضو، پیوند مغز استخوان، اهدای سلول جنسی به آزمایشگاه، فروش موی طبیعی و همچنین فروش شیر مادر در اکثریت جوامع به صورت قانونی پذیرفته شده و مورد حمایت دولت ها نیز می باشد، باید قائل بر جواز تصرف انسان در اجزای بدن خود و اعتبار این گونه معاملات باشیم، زیرا لازمه چنین تصرفاتی این است که انسان نسبت به جسم خود حق دخل و تصرف داشته باشد. البته لازم به ذکر است که این قبیل تصرفات با برخی محدودیت ها نیز مواجه است و باید به گونه ای باشد که باعث ورود آسیب جدی به جسم، اختلال در عملکرد بدن، ضرر غیر قابل جبران و حقارت و خواری جسم و کرامت انسان نشود. بنابر این چنانچه ضرر وارده بر اثر تصرف ناچیز و قابل اغماض باشد و در عملکرد جسم تاثیر قطعی و غیر قابل جبران نداشته باشد، میتوان حکم بر جواز آن صادر نمود.

۳- وضعیت معامله موی طبیعی در فقه شیعه و اهل تسنن

۳-۱ در میان کتب فقهی اهل تسنن برخی از فقها به موضوع فروش موی طبیعی اشاره کردند و نظریات متعددی در این خصوص مطرح گردیده است، به عنوان مثال در برخی از منابع فقه شافعی فروش موی انسان را جایز ندانسته اند با این استدلال که هرآنچه فروش آن در حال اتصال جایز نباشد، فروش آن در حال انفصال نیز جایز نیست؛ مانند موی انسان (النووی، ۲۰۰۹، ص ۲۰۷۴)

همچنین در میان فقهای مذهب حنبلی نیز این دیدگاه مطرح شده که استفاده از موی انسان با وجود اینکه پاک است بخاطر حرمت و احترام انسان جایز نیست (البهوتی، ۲۰۰۳، ص ۷۰)

در فقه حنفی نیز بیان گردیده فروش موی انسان و بهره گرفتن از آن جایز نیست، زیرا انسان کرامت دارد و نباید اجزای بدن او با خرید و فروش بی ارزش شود. (البابرتی، بی تا، ص ۴۲۵)

به علاوه در منبع فقهی دیگری فروش موی انسان و بهره برداری از آن را بخاطر کرامت جسم انسان جایز ندانسته اند و همچنین به سخن پیامبر اکرم (ص) نیز استناد کرده اند که فرمودند :
لعن الله الواصلة والمستوصلة (ابن نجیم ، بی تا ، ص ۸۸)

برخی دیگر از فقهای مذهب حنفی نیز فروش موی انسان را در شمار مکاسب حرام آورده اند
(الشیبانی ، ۱۴۱۱ ، ص ۳۲۸)

در کتاب *مدافع الصنائع فی ترتیب الشرایع* نیز قید شده که خرید و فروش موی انسان جایز نیست ، نه بخاطر اینکه نجس باشد ، بلکه بخاطر احترام و کرامت انسان که فروش اجزای جسم او موجب ابتذال و اهانت به آن می شود و استفاده از مویی که معامله می شود نیز به جهت سخن پیامبر در خصوص لعنت خدا بر کسانی که موی دیگران را به موی خود متصل می کنند ، جایز نیست . (کاسانی ، ۱۳۹۴ ق ، ص ۱۴۲)

در خصوص فروش مویی که از سر انسان زنده چیده می شود نیز از امام مالک ، پیشوای مذهب مالکی سوال شد و ایشان چنین عملی را مکروه دانست . (خرفی ، ۱۴۲۷ ، ص ۱۶۵)

مطابق این دیدگاه فروش اجزای بدن حتی پس از مرگ نیز جایز نیست زیرا حرمت و کرامت شخصی که فوت شده مانند انسان زنده است . (مالک ابن انس ، ۱۹۸۵ م ، ص ۲۳۸)

در منابع متعدد دیگری نیز فقهای اهل تسنن به لحاظ حکم تکلیفی قائل بر حرمت خرید و فروش موی طبیعی بوده اند یا دست کم آن را مکروه دانسته اند . (نفرای ، ۱۴۱۸ ، ص ۵۰۸) و (ابن قدامه ، ۱۴۲۷ ق ، ص ۱۵۴)

بنظر می رسد مطابق دیدگاه فقهای اهل تسنن ، افزون بر فروش اعضای مهم و حیاتی بدن که منجر به آسیب جدی و ضرر غیر قابل جبران بر جسم می گردد ؛ بهره برداری از سایر اجزای

بدن انسان هم جایز نیست ، حتی اگر هیچ ضرری نداشته باشد . (سنهلی ، ۱۴۰۸ ، ص ۶۱ و

(۶۲)

غالب نظریات ارائه شده درخصوص عدم جواز بیع موی انسان نزد اهل تسنن بدون توجه به مشروعیت جهت معامله و انگیزه طرفین ، به صورت مطلق بیان شده . ابن منذر در این خصوص بیان داشته که هیچ خیری در فروش موی انسان نیست و فروش و استفاده از آن جایز نمی باشد (ابن منذر ، ۱۴۰۵ ه.ق، ص ۲۷۹) . همچنین آنچه در شرح نووی آمده نیز دلالت صریح بر حرمت وصل مو به صورت مطلق دارد . (عبد الناصر بن خضر ، بی تا ، ص ۴۵۰)

اما برخی از فقها به جهت حيله و تدلیس قائل بر حرمت معامله و استفاده از موی انسان شده اند ، زیرا پیامبر (ص) زنانی را که مو وصل می کردند را اهل دروغ و تزویر نامید (ابن حجر عسقلانی، بی تا ، ص ۳۷۵) و این حضرت نهی فرمودند که زن چیزی را به سر خود وصل کند تا با این کار مردم را فریب دهد یا چیزی را برخلاف واقع نشان دهد . (بن حجاج، ۱۴۱۲ ، ص ۱۶۷۹) از همین رو امام نووی بیان داشته که وصل کردن مو نوعی فریب و تدلیس محسوب می گردد . (ابن حجاج، ۱۳۴۷، ص ۱۰۷) در برخی متون مقرر شده که وصل مو در صورت اجازه شوهر جایز است اما همچنان نظر مشهور بین فقهای حنابله ، حرمت مطلق این عمل حتی با اجازه شوهر می باشد . در مقابل در کتاب الوسیطه مقرر شده که به دیدگاه شافعیان تحریم فقط بخاطر تدلیس و فریب معنا پیدا می کند و در صورت اذن شوهر قول بر جواز ، اصح می باشد ؛ زیرا آنچه حرام است وصل مو بخاطر فریب می باشد و این گونه استفاده از مو جایز نیست . (اهل حدیث ، ۱۴۳۲ ، ج ۹۸، ص ۳۴)

به دیدگاه فقهای حنفیه معامله ی اعضای بدن انسان ها فارغ از اینکه جهت معامله چه باشد ، حرام است و رضایت طرفین در این مسئله هیچ اعتباری ندارد . لذا فروش موی انسان از بیع های

باطل است ، زیرا مورد معامله چیزی است که استفاده از آن حرام می باشد . (اهل حدیث ،

۱۴۰۵ ه.ق ، ج ۷۳ ، ص ۲۸۷)

با بررسی مجموع نظریات مطرح شده ، اجماع فقهای اهل تسنن بر عدم جواز فروش موی انسان و بهره برداری از آن است و در اکثر منابع علت این حکم تحقق حکمت شرعی مبنی بر صیانت و پاسداشت بدن انسان و جلوگیری از خوار شدن او می باشد ، با این حال باید توجه داشت که اگر ضرورتی وجود داشته باشد ، مانند کاشت موی انسان به منظور درمان یا حفظ سر در برابر عوامل طبیعی یا دریافت پول برای رفع حوائج ضروری ، چنین معامله ای جایز است ، زیرا بیع کالا هایی که در حالت اختیار حرام یا مکروه است ، در حالت اضطرار جایز می باشد . (عبدالنصر بن خضر ، بی تا ، ص ۱۶۲) به علاوه قاعده فقهی الضرورات تبیح المحظورات (ضرورت ها امور ممنوع را مباح میکند) و قاعده الضرر الاشد یزال بالضرر الاخف (ضرر شدید تر با ضرر خفیف تر رفع می شود) نیز مؤید همین موضوع می باشند .

پس از مطالعه ی نظریات فوق این پرسش مطرح می گردد که آیا اصل امتنانی کرامت انسان را می توان مانعی در مسیر اعمال اصل حاکمیت اراده دانست و بدین وسیله آزادی عمل اشخاص را محدود نمود ؟

در پاسخ می توان گفت که کرامت انسان هم در قرآن کریم و هم در قانون اساسی ایران به عنوان اصلی مهم و انکارناپذیر پذیرفته شده و سایر حقوق اساسی انسان از جمله حق حیات ، حق بر تعیین سرنوشت ، حق مالکیت و حق آزادی نتیجه پذیرش کرامت انسان و ارزش والای مقام اوست .

به همین جهت احکام عبادی، حقوقی، فردی و اجتماعی با در نظر گرفتن حفظ کرامت انسان و همسو با آن وضع شده و اعمال و رفتار خلاف شأن انسان مثل شکنجه، وهن، تخفیف و استفاده ابزاری از او ناپسند و مذموم می باشد. یکی از مهمترین حقوق انسان، آزادی است؛ به این معنا که بتواند هر رفتاری را که منجر به ضرر و زیان به خود یا دیگران نشود انجام دهد و یک جلوه از این حق تحت عنوان اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در دانش حقوق مطرح شده، منتها این آزادی رها و افسار گسیخته نیست و به جز تعداد اندکی، همه اندیشمندان و بزرگان آزادی را به طور مشروط و مفید قبول کرده اند. به همین جهت آزادی انسان با تعیین مرز و قیدهایی محدود شده و اعمال اصل حاکمیت اراده نباید به گونه ای باشد که فرد مرتکب رفتاری مغایر با اصول و قواعد اهم از جمله کرامت انسانی و قاعده لا ضرر شود و برای انسان ذلت و پستی به همراه داشته باشد. اذلال به معنی ذلیل کردن خود و تن دادن به پستی و فرومایگی است. به عنوان مثال چنانچه فروش موی انسان منجر به اهانت یا خواری او گردد با توجه به آیات و روایات به نظر میرسد که اقدام به چنین رفتاری حرام باشد؛ زیرا بر مسلمان و مومن حرام است که خودش را خوار یا نفسش را هتک کند و به هر طریق ضرر روحی یا بدنی برای خود ایجاد نماید. اعمال چنین محدودیتی در جهت حفظ شأن انسان و حرمت او، نه تنها با اصل امتنایی کرامت مغایرت ندارد، بلکه در جهت اجرای هرچه صحیح تر آن اصل خواهد بود.

منتها نکته قابل توجه این است اگرچه حکم الهی مبنی بر حفظ کرامت انسانی همواره ثابت است اما مصادیق توهین و حرمت میتواند متفاوت باشد، زیرا کرامت و اهانت امور نسبی و متغیر هستند به این معنا که در زمان و مکان متفاوت مصادیق آن تغییر پیدا میکند. (ناصری مقدم و سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۲۸۲) مثلاً در موضوع محل بحث ممکن است فروش موی انسان که در گذشته امری نامتعارف و از مصادیق توهین و تذلیل فروشنده بود امروزه به جهت تغییر عرف جامعه و رواج این قبیل معاملات، دیگر از مصادیق اهانت تلقی نگردد. لذا میتوان با توجه به

پویایی دین اسلام نسبت به مقتضیات روز و اجرای اصل حاکمیت اراده ؛ دیدگاه فقهای اهل تسنن را در این خصوص تعدیل نمود و معامله خرید و فروش موی طبیعی را ، چنانچه در حال حاضر خلاف شان و کرامت انسان محسوب نگردد ، صحیح تلقی کرد .

۳_۲ در کلام فقهای شیعه :

در میان فقهای شیعه قرارداد های مربوط به جسم انسان همواره از موضوعات مهم و چالش برانگیز بوده و نظریات گوناگونی در این خصوص ارائه شده که در ادامه برخی از آنها را شرح می دهیم :

محمد بن مکی عاملی جزینی در کتاب دروس خود در خصوص آنچه که صلاحیت داد و ستد را دارد فرمودند که بیع آنچه که غالباً منفعت عقلایی در آن متصور نیست جایز نمی باشد مانند حشرات و تولیدات مطهر بدن انسان که در نص کتاب از آنها تحت عنوان " فضلات الانسان " یاد شده و شامل ناخن ، مو و خون انسان می شود. (شهید اول ، ۱۴۱۷ ، ص ۱۶۷)

در خصوص دیدگاه مذکور باید به این نکته اشاره نمود که منفعت عقلایی مطابق دیدگاه انسان متعارف و سودمندی عرفی یک کالا تعیین میگردد امروزه از موهایی که به خرید و فروش می رسد در صنعت ساخت پروتز مو ، انجام اکستنشن و متصل کردن آن به موی اشخاص دیگر ، تهیه ی کلاه گیس یا موی مصنوعی استفاده می شود و این موضوع با استقبال بسیاری از افراد مواجه شده ، بخصوص کسانی که به دلیل ریزش مو ، مشکلات ژنتیکی ، یا ابتلا به سرطان موهای خود را از دست داده اند ؛ لذا ممکن است با گذر زمان و ارتقای علم و فناوری، آنچه که سابقاً قابلیت استفاده نداشته امروزه مورد استفاده مردم واقع گردد . به همین جهت برخی از فقهای

معاصر قائل بر این هستند که نزدیک به صواب، جواز بیع اجزای بدن و از جمله موی انسان است ، در زمانی که نفع (مانند عصر حاضر) در انجام آن معامله وجود دارد (خمینی ، ۱۳۹۲ ، ص ۵۷)

آیت الله خامنه ای در پاسخ به این سوال که فروش عضوی از اعضای بدن در حال حیات جایز است یا نه پاسخ دادند که : در برخی از اعضای بدن اشکالی ندارد ؛ ایشان همچنان خرید و فروش موهای بلند و استفاده از آن را برای سایر افراد جایز دانسته اند. (خامنه ای ، ۱۳۹۵ ، ص ۵۰)

آیت الله نوری همدانی در خصوص این موضوع فرمودند که : دلیلی بر عدم جواز فروش فی نفسه به نظر نمی‌رسد مگر اینکه خطر جانی یا عوارض غیر قابل تحمل در پی داشته باشد که در این صورت فروش یا انتقال آن عضو از بدن جایز نیست . (نوری همدانی ، ۱۳۸۸ ، ص ۲۵۱)

آیت الله محمدرضا نکونام دیدگاه خود را به این صورت مطرح نمودند که : انسان زنده میتواند هر عضوی از خود را که مایل باشد با گرفتن مبلغی یا به صورت هدیه به دیگری منتقل نماید ، به شرط آنکه از دست دادن این عضو باعث اختلال جسمی یا مخاطره جانی برای او نباشد. البته نباید فقر در جامعه به اندازه ای باشد که این گونه کارها تنها به خاطر کسب درآمد انجام شود . (نکونام ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۰۴)

آیت الله فاضل لنکرانی در خصوص خرید و فروش اجزای بدن بیان نموده اند که : دلیلی بر عدم جواز فروش فی نفسه به نظر نمی آید ، مگر اینکه از دست دادن آن خطر جانی یا عوارض سخت و غیر قابل تحملی در پی داشته باشد که در این صورت جایز نخواهد بود . (موحدی لنکرانی ، ۱۳۸۳ ، ص ۵۶۸)

آیت الله نجفی نیز در پاسخ به سوالی که در پایگاه اینترنتی ایشان شد فرمودند : مادامی که انسان زنده است حق فروش یا اهدای هر یک از اجزای بدن خود را دارد البته به شرطی که این اقدام در سلامتی فرد اختلالی ایجاد نکند.

به علاوه در استفتائاتی که در پایگاه اینترنتی مراجع تقلید به عمل آمده نیز ، آیت الله خامنه ای ، آیت الله سیستانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله وحید خراسانی ، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله فاضل لنکرانی فتوا مبنی بر جواز خرید و فروش موی انسان صادر نموده اند .

البته حکم به جواز بیع موی انسان نزد فقهای امامیه با فرض وجود سایر شرایط صحت عقد صادر شده است مثلاً در فقه شیعه و نظام حقوقی ایران ، از مهم ترین شروط صحت قرارداد این است که جهت یا انگیزه ای که معامله کننده از تشکیل عقد در سر می پروراند ، مشروع باشد و به این نکته در ماده ۱۹۰ قانون مدنی اشاره شده . لذا چنانچه جهتی که در معامله به آن تصریح می شود نامشروع باشد ، طبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی ، معامله باطل خواهد بود . در حقوق امامیه جهت نامشروع هنگامی سبب بطلان عقد است که طرف دیگر بر آن آگاهی داشته باشد (شهیدی ، ۱۳۹۹ : ص ۹۵ و ۹۶) مثلاً چنانچه بدانیم انگیزه ی خریدار از خرید موی طبیعی به نمایش گذاشتن آن مقابل نامحرم و ایجاد مفسده یا ترویج بی حجابی است ، این اطلاع از انگیزه ی نامشروع سبب بطلان عقد خواهد بود .

۴_ ادله جواز و عدم جواز معامله اجزای بدن انسان :

۴_ ۱ دلایل مخالفان بیع اجزای بدن :

۴_ ۱_ ۱ عدم مالکیت انسان بر جسم خود : به دیدگاه برخی از فقها انسان مالکیتی بر جسم خویش ندارد و بدن انسان تحت مالکیت و سلطه خداوند است لذا صرف اختیار بر جسم خویش

دلیل کافی برای اثبات حق مالکیت بر اجزای بدن و جواز هرگونه تصرف در آن محسوب نمیگردد. (ابن الاحمد ، ۱۴۲۷ ، ص ۱۵۴)

طبق این دیدگاه انسان حر و اجزای بدن او از جمله مو و استخوان ، قابل معامله نیستند .

۲-۱-۴ عدم مالیت اجزای بدن برای فروش : برخی قائل بر این هستند که اجزای بدن مالیت ندارند و پرداخت ثمن در ازای خرید آنها اکل مال به باطل محسوب میگردد ؛ به همین جهت معامله ی عضو جدا شده را به جهت فقدان منفعت حرام دانسته اند . (ابن قدامه ، ۱۴۱۷ ، ص ۳۶۴)

البته باید به این نکته توجه داشت که این دیدگاه در زمانی که نفع عقلایی و قابلیت انتفاع از اجزای خریداری شده وجود نداشته باشد معقول به نظر میرسد در حالی که امروزه وضعیت به گونه ای دیگر است و منافع عقلایی متعددی برای معامله ی اجزای بدن وجود دارد .

۳-۱-۴ احترام جسم انسان و هتک حرمت آن با خرید و فروش : عده ای با استناد به آیه ۷۰ سوره اسراء ؛ «لقد کرّمنا بنی آدم ...» انسان را از دیدگاه شارع مقدس دارای کرامت و جایگاه ویژه ای دانسته و جدا نمودن اجزای بدن را در تعارض با حفظ حرمت و کرامت انسانی می دانند و در نتیجه قائل به عدم جواز خرید و فروش اجزای بدن شده اند .

برخی از فقهای شیعه با عنایت به شرافت و کرامت نفس انسان قائل بر منع خرید و فروش اجزای بدن مانند سایر کالاهای مادی هستند زیرا با این عمل ارزش و اعتبار نفس انسان به اشیا مادی تشبیه می شود در حالی که جسم انسان قابل قیمت گذاری و داد و ستد نیست ؛ همچنین برخی از فقهای اهل تسنن نیز جدا نمودن اجزای بدن ، از جمله موی انسان را چنانچه به قصد خرید و فروش باشد مغایر با حفظ شأن و مقام والای انسانیت دانسته اند . (ملا خسرو ، بی تا ، ص ۱۷۲)

۴-۱-۴ حرمت خرید و فروش خون به عنوان یکی از اجزای بدن : این موضوع از دیگر دلایلی است که مخالفان خرید و فروش اجزای بدن به آن استناد نموده و در توجیه این دیدگاه به روایاتی اشاره نموده اند . علت اصلی چنین حکمی عدم استفاده مشروع و عقلایی از خون بود، مثلاً از امام علی علیه السلام نقل شده که؛ «در گذشته اعراب استفاده ای به جز خوردن از خون نمی کردند و روایت شده که آنها علهم میخوردند یعنی غذایی که از ترکیب خون و پشم شتر تهیه میشد»؛ همچنین علامه حلی در کتاب *نهایة الاحکام* خود خرید و فروش خون را به خاطر نجاست آن و عدم وجود منفعت در آن حرام دانسته (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۵) اما باید امروزه در نقد این دیدگاه بیان کرد که در خرید و فروش خون و سایر اجزای بدن منافع متعددی متصور است .

درخصوص مویی که از سر انسان جدا شده نظر صحیح در مذهب که اصحاب بر آن اتفاق دارند و برخی از فقها به آن اشاره نموده اند، طهارت است، البته برخی قائل بر نجاست موی انسان ها بجز موی پیامبر اکرم (ص) هستند و برخی دیگر فقط موی اشخاص غیر مسلمان را نجس دانسته اند . (المرداوی، بی تا، ص ۹۳)

۴-۱-۵ حرمت تغییر در خلقت خداوند (آیه تبتیک) :
برخی با استناد به این موضوع که جدا نمودن اجزای بدن و پیوند آن به شخص دیگر به منزله ایجاد تغییر و دخالت در آفرینش خداست آن را از مصادیق آیه تبتیک و حرام دانستند در این آیه عبارت «فلیغیرن خلق الله» اشاره به تغییر آفرینش خدا توسط بشر دارد و این از راه هایی است که شیطان از طریق آن انسان را از خدا دور می نماید. زنان از وصل کردن مو نهی شده اند، و در مذهب مالک، این نهی به معنای حرمت آن است، به استناد حدیثی که میگوید: «لعن الله الواصلة والمستوصلة» (خداوند زنانی را که مو به هم متصل میکنند و زنانی را که چنین درخواستی دارند، لعنت کند).

البته حرمت وصل کردن مو به زنان محدود نمیشود، زیرا این کار موجب تغییر در خلق خدا میشود، اما چون این عمل بیشتر در بین زنان رایج است، در حدیث به آنها اختصاص داده شده است. به ویژه زمانی که موی آنها کوتاه باشد یا مویی نداشته باشند، موی دیگران را به موی خود متصل میکنند، یا وقتی که موهایشان سفید شده، موی سیاه را به آن وصل میکنند تا ظاهر آن سیاه شود و همسرشان را فریب دهند.

با این حال، از مفهوم وصل کردن میتوان نتیجه گرفت که اگر مو را بدون اتصال بر سر خود قرار دهد، اشکالی ندارد؛ چنانکه قاضی عیاض تصریح کرده است. در این حالت، این عمل مشابه بستن نخ های تابیده شده مانند نوارهای پشمی و ابریشمی است که زنان برای زینت به کار میبرند، و چنین کاری مورد نهی قرار نگرفته و در زمره انواع زینت محسوب میشود. (نفراوی، ۱۴۱۸، ص ۵۰۸)

در کتاب معانی الأخبار از احمد بن محمد بن هیشم نیز نقل شده است که: رسول خدا (ص) لعنت کرده است: زنی که موی خود را به موی زن دیگری متصل میکند (واصله) و زنی که این کار بر روی او انجام شود (مستوصله) و ... (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۲۵۰)

با این حال راوی میگوید: گفتم که به ما رسیده است که رسول خدا (ص) واصله را در معنی وصل کننده مو لعنت کرده است. پس امام فرمودند: موضوع اینگونه نیست، بلکه رسول خدا (ص) زنی را که در جوانی زنا کرده است و هنگامی که پیر شد، زنان را به سوی مردان هدایت میکند لعنت کرده است. پس او همان واصله و موصوله است و این سخن درخصوص پیوند مو به اشتباه تفسیر شده؛ ضمن اینکه هرگونه قطع عضو و تغییری نیز مشمول این آیه نميگردد.

۴-۱-۶ لزوم دفن اجزای جدا شده از بدن: از دیگر دلایل مخالفین فروش اعضای بدن این است که اجزای بدن پس از جدا شدن از جسم نجس هستند و باید دفن شوند بنابراین امکان خرید و

فروش آنها وجود ندارد و در توجیه این دیدگاه به آیه ۲۱ سوره عبس استناد نموده و قائل بر این هستند که جدا نمودن اجزای بدن به منظور معامله آن چون منجر به دفن نکردن جزئی از جسد میشود مطلقاً ممنوع است. در کتب برخی از فقهای اهل تسنن این موضوع تصریح شده که هر جزئی از بدن انسان مانند مو و ناخن، چنانچه از جسم جدا گردد باید دفن شود. (ابن عابدین، ۱۴۲۳، ص ۵۵۲)

۴-۱-۷ تجاوز به نفس و قطع عضو از موجبات قصاص و پرداخت دیه است: این دلیل نیز توسط مخالفان فروش اجزای بدن مورد استناد قرار گرفته با این استدلال که چون برای جدا نمودن جزئی از جسم انسان از جمله مو در قانون مجازات اسلامی دیه در نظر گرفته شده نمیتوان انفصال آنها را به منظور خرید و فروش جایز دانست.

در نقد این دیدگاه می توان گفت در صورت رضایت خود شخص مادامی که زنده است، یا اولیای او پس از مرگش، این استدلال مردود خواهد بود، زیرا قصاص و دیه نیز با چنین رضایتی ساقط می گردد.

۴-۲ دلایل موافقان بیع اجزای بدن:

۴-۲-۱ سلطنت انسان بر جسم خود: انسان به عنوان موجودی که واجد عقل و اختیار است به گونه ای آفریده شده که به طور طبیعی بر اجزای بدن خودش مسلط باشد و در زندگی روزمره از جسم خود بهره ببرد. به عقیده امام خمینی (ره) سلطه انسان بر جسم خودش امری عقلایی است و به همین جهت می تواند هرگونه بخواهد در نفس خود تصرف نماید، مگر اینکه منع شرعی یا قانونی در آن خصوص وجود داشته باشد. (خمینی، ۱۴۳۴، ص ۳۳) مطابق این دیدگاه خرید و فروش اجزای بدن در عصر کنونی، نشان از عقلایی بودن تسلط انسان بر جسم خویش دارد و اصل تسلیط و قاعده ی الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم نیز به درستی این

دیدگاه را تایید می نماید . امروزه دخل و تصرف در جسم و نمونه گیری برای انجام آزمایشات طبی نیز امری رایج و متعارف شده و این کار جز با پذیرش سلطه انسان بر جسم خویش ممکن نیست .

۲-۲-۴ قاعده ی اضطرار و اراده ی خداوند بر رفع عسر و حرج از زندگی انسان : امروزه غالباً معاملات فروش اجزای بدن از قبیل کلیه ، خون و موی انسان از جانب افراد بی بضاعت و با انگیزه کسب منفعت اقتصادی و خروج از شرایط اضطرار انجام میشود . خداوند در آیات متعددی از جمله آیه ۱۸۵ سوره بقره فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» . از این آیه قرآن به وضوح مشخص است که خواست خدا راحت بودن کار بندگان و نفی عسر و حرج بوده و رضایت خداوند در تخفیف حال انسان بوده نه تشدید وضعیت آن . چنانچه قائل بر عدم جواز معامله اجزای بدن باشیم این نظر هم به لحاظ مالی و هم در امور پزشکی و درمانی باعث سختی و دشواری در زندگی انسان ها خواهد شد .

۳-۲-۴ اصل برائت : موافقان خرید و فروش اجزای بدن انسان همچنین در توجیه دیدگاه خود به این اصل نیز استناد کرده اند زیرا در فقه چنانچه در خصوص قضیه ای تردید ایجاد شود برای خروج از تردید به اصول مراجعه میشود. (زراعت و مسجد سرایی ، ۱۳۹۷ ، ص ۲۸۲) در خصوص معامله خرید و فروش موی انسان نیز به جهت اینکه از جانب شارع مقدس دلیلی بر عدم جواز این قبیل معاملات به دست نرسیده و در خصوص حکم واقعی این موضوع تردید داریم به موجب اصل برائت باید گفت که چنین معاملاتی مباح و جایز است و در مورد آنها حکم حرمت ثابت نیست .

۴-۲-۴ سابقه ی پیوند اجزای بدن در عصر معصومین (ع) : در روایات متعددی به موضوع پیوند اعضای بدن انسان اشاره شده و این نشانگر سابقه طولانی این مسئله حتی در عصر امامان و پیامبران میباشد . در سالیان گذشته حتی پیش از اینکه دانش و علم پزشکی به درجه تجویز

پیوند عضو ترقی کرده باشد چنین کاری در خصوص برخی از اعضای بدن انجام میشد مثلاً در روایتی قید شده که زراره از امام صادق نقل کردند : من حاضر بودم ، وقتی که پدرم از امام علی علیه السلام در مورد مردی که دندانش افتاده بود و دندان انسان میتی را به جای آن قرار داد سوال کرد ؛ و امام فرمود اشکالی ندارد !

همچنین در برخی روایات پیوند اجزای بدن حیوانات مثل دندان گوسفند به جای دندان انسان که افتاده نیز مورد تصریح قرار گرفته . (حر عاملی ، ۱۴۱۶ ، ص ۴۱۷)

۴-۲-۵ مالیت داشتن اجزای بدن انسان : برخی از فقها بر این عقیده هستند که جسم انسان مالیت دارد و انسان می تواند در جسم خود مانند سایر اموالش تصرف نماید . لذا همانطور که انسان اجازه دارد اموال خود را به دیگران بدهد به همان صورت نیز میتواند اجزای بدن خود را به دیگری منتقل نماید. عقلاً بر این اصل بنا نهاده اند که انسان بر خود و اموالش در حد کلی سلطه دارد. بر همین اساس، شخص مالک اعضای جدا شده از بدن خود محسوب میشود و میتواند آنها را بفروشد یا ببخشد. بنابراین، تا زمانی که از طرف شرع دلیلی بر منع آن وجود نداشته باشد، میتوان این اصل عقلایی را تأیید شده از سوی شارع دانست. این مهمترین دلیلی است که برای مالکیت اعتباری اعضای بدن می توان به آن استناد کرد، اما در عین حال، رعایت احتیاط و ترک خرید و فروش این اعضا توصیه میشود. (محسنی ، ۱۴۲۶، ص ۱۸۵)

۴-۲-۶ اصل حاکمیت اراده و اصل اباحه : باتوجه به اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ ق.م. قرارداد هایی که افراد منعقد می نمایند چنانچه مخالف صریح قانون نباشد معتبر خواهد بود ، منتها این آزادی در انعقاد قرارداد با دو مانع نظم عمومی و اخلاق حسنه محدود می گردد . با این وجود چنانچه تردید داشته باشیم که آیا معامله ی فروش موی طبیعی با وجود شرایط قانونی لازم از قبیل جهت مشروع و منفعت عقلایی با نظم عمومی و اخلاق حسنه در تعارض است ، باید اصل عدم مغایرت را جاری نماییم . در یک ضابطه ی کلی اگر در معاملات راجع به جسم انسان

عضوی مورد معامله قرار گیرد که فقدان یا از دست دادن آن منجر به آسیب قطعی و غیر قابل جبران یا ایجاد اختلال در عملکرد بدن شود ، نمیتوان فروش آن عضو یا سایر اقسام نقل و انتقالات را صحیح دانست ؛ اما چنانچه موضوع معامله اجزایی از بدن باشد که از دست دادن یا جدا کردن آن ضرری غیر دائمی و قابل جبران به همراه داشته باشد ، مثل فروش مو ، شیر مادر ، خون و سایر تولیدات بدن ، چنین معاملاتی معتبر خواهد بود ، چرا که نص صریحی در قانون یا آرای وحدت رویه مبنی بر منع این گونه معاملات وجود ندارد و در صورت سکوت باید اصل اباحه جاری نموده و قائل بر جواز معامله شویم .

۵- شرایط قانونی خرید و فروش موی طبیعی:

۵-۱. مالیت داشتن

یکی از شروط لازم برای خرید و فروش اشیاء به صورت قانونی ، این است که موضوع معامله مالیت داشته باشد . مال در تعریف لغوی به چیزی اطلاق می گردد که در تملک کسی باشد و ارزش مبادله داشته باشد (دهخدا ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۹۹۸۴)

در اصطلاح حقوقی نیز مال عبارت است از : چیزی که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد . (جعفری لنگرودی ، ۱۳۸۱ ، ص ۵۹۵) نزد برخی از حقوقدانان نیز مال به چیزی اطلاق می گردد که مفید باشد و نیازی را اعم از مادی یا معنوی در انسان برآورده نماید ؛ همچنین قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا ملتی معین را نیز داشته باشد. (کاتوزیان ، ۱۳۸۹ ، ص ۹)

در کلام فقها همانطور که اشاره شد چیزی مال محسوب می گردد که در معامله ی آن صلاح و منفعتی عقلایی وجود داشته باشد و انسان نیز شرعا بتواند مالک آن گردد، به همین جهت خرید و فروش کالایی که مصرف آن حرام است ، مانند مواد مخدر و روان گردان ، باطل خواهد بود.

امروزه در بسیاری از کشورها خرید و فروش تولیدات بدن انسان مثل فروش مو، خون انسان و شیر مادر برای تغذیه کودکان دیگر پذیرفته شده و معاملات این چینی ذیل قواعد بیع کالا انجام می گردد. گاهی اوقات نیز شنیده می شود که این موارد به عنوان مال مورد سرقت واقع می گردد بنابراین نمیتوان انکار کرد که اجزای بدن انسان ارزشمند است و مالیت دارد. (امیر معزی، ۱۳۸۰، ص ۵۴)

۵-۲. معلوم و معین بودن

از دیگر شروط لازم برای صحت معامله ای که منعقد شده، معلوم و معین بودن مورد قرارداد است به گونه ای که رافع جهالت و غرر باشد. در معاملاتی که انجام میشود ایجاد علم گاه از طریق مشاهده و گاهی نیز با تعیین میزان و جنس و وصف مورد معامله خواهد بود. خرید و فروش موی طبیعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این معامله غالباً جهل به موضوع با مشاهده حضوری مویی که کوتاه و فروخته میشود در سالن های زیبایی انجام میگردد؛ همچنین گاهی اوقات معامله به صورت غیر حضوری منعقد میشود و موی کوتاه شده بدون مشاهده حضوری خریداری میگردد. در این صورت فروشنده پیش از انعقاد قرارداد با ارائه اطلاعاتی در خصوص میزان و قد مویی که فروخته میشود بر حسب سانتی متر، وزن مو بر حسب گرم، کیفیت سلامت مو و سایر اوصاف موثر بر قیمت جهالت خریدار را برطرف مینماید و فرض غرر منتفی خواهد شد.

۵-۳: منفعت مشروع و عقلایی

این شرط علاوه بر قانون ایران در کلام فقها نیز بارها مورد تاکید قرار گرفته و مراد از آن منفعتی است که عقلای جامعه استفاده از آن را تجویز کنند البته عقلایی بودن منفعت همواره متأثر از معیارها و ضوابط زمان و مکانهای متفاوت بوده و در طول تاریخ تغییراتی در آن ایجاد گردیده

است. در معامله ی موی طبیعی به جهت کاربرد های متعددی که برای کالای موضوع معامله متصور است و سابقا به آن اشاره شد ، درخصوص شرط وجود منفعت عقلایی ، جایی برای تردید باقی نمی ماند .

۴-۵ : مقدور التسليم بودن

آنچه که موضوع معامله قرار میگیرد باید قابلیت تسلیم به طرف مقابل را داشته باشد ؛ و الا قرارداد باطل است. البته قدرت بر تسلیم موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد یعنی لازم است که مورد معامله در اختیار منتقل الیه قرار گیرد (شهیدی ، ۱۳۹۹ ، ص ۸۵)

نکته قابل توجه در این شرط قابلیت یا امکان تسلیم موضوع عقد است و تفاوتی نمیکند که توسط شخص متعهد یا دیگری صورت بگیرد منتها در قرارداد فروش موی طبیعی امکان اجبار به تسلیم از طریق حکم دادگاه و مقامات قضایی ممکن نیست زیرا نمیتوان جزئی از بدن دیگری را با قهر و غلبه جدا نمود و این کار بی شک مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه است. بنابراین تسلیم مو همواره با اراده فروشنده خواهد بود ، و بعد از اینکه اراده خود را برای این کار اعلام کرد ؛ عمل کوتاهی مو میتواند توسط دیگران نیز انجام گردد .

۵-۵: سایر شرایط

افزون بر شرایط عام موجود در قانون برای صحت معامله ، برخی از شرایط ویژه و اختصاصی نیز در خرید و فروش مو بایستی رعایت گردد و از جمله این موارد میتوان به رعایت ضوابط بهداشتی و بهداشت محیط اشاره نمود و سازوکار های حرفه ای باید مورد توجه قرار گیرد . لذا بدیهی است که ورود هرگونه آسیب و خسارت به جهت عدم مهارت ، یا عدم رعایت بهداشت که منجر به ایجاد آسیب نامتعارف و غیر قابل اغماض نسبت به فروشنده ی موی طبیعی یا شخصی

که بعد از آن استفاده می نماید ، مسئولیت قراردادی و یا مسئولیت مدنی به جبران ضرر را برای مسئول ورود ضرر که غالباً کوتاه کننده ی مو یا آرایشگر است ، به همراه خواهد داشت .

۶-چالش ها و سوالات پیش رو :

۶-۱. فروش موی زوجه

آیا در صورت مخالفت مرد ، زوجه میتواند اقدام به فروش موهای خود کند ؟

در پاسخ به این سوال باید به این نکته اشاره کرد که زیبایی ظاهری از گذشته تا کنون یکی از مهم ترین معیار هایی بوده که افراد در زمان ازدواج و تشکیل خانواده به آن توجه داشته اند و تاثیر ظاهر در ایجاد تمایل و رغبت به ازدواج چنان اهمیتی داشته که در برخی موارد تدلیس و فریب در ویژگی های ظاهری منجر به انحلال زندگی مشترک و فسخ نکاح شده است . امروزه نیز اهمیت ندادن به نظر همسر در انجام برخی از جراحی های زیبایی ، تتو یا خالکوبی ، و موارد مشابه که ارتباط مستقیم با تغییرات ظاهری افراد دارند از شایع ترین علل طلاق محسوب می گردد ؛ به همین جهت اگرچه در نص قانون اذن شوهر برای چنین کارهایی لازم دانسته نشده است ، با این حال باید در نظر داشت که قانون به تنهایی نمیتواند آرامش و سعادت خانواده را تامین کند . بنابر این بهتر است زن زمانی به ایجاد تغییرات موثر در ظاهر خود کند که رضایت همسرش را اخذ کرده باشد یا دست کم بداند که همسرش با انجام آن عمل مخالفتی ندارد ، زیرا واقف بر این موضوع هستیم که با قبول ازدواج و شروع زندگی مشترک تکالیفی بر زوجین بار می شود و چنانچه بخواهند شاهد تداوم بنای خانواده باشند باید آنها را رعایت نمایند ؛ بخصوص در چنین مواردی که اقدام به انجام عمل مورد بحث ضرورتی ندارد و در ظاهر زن تاثیر گذار خواهد بود ، نباید به گونه ای عمل شود که مرد مخالف با آن اقدام باشد . رعایت حسن معاشرت

، پذیرش ریاست مرد بر خانواده و تمکین در مفهوم اعم ایجاب می نماید که زوجه اقدام به انجام کارهایی کند که موجب رضایت مرد و تحکیم بنای خانواده گردد.

به زوجه ای که حقوق ناشی از نکاح را برای زوج ایفا نکند، در اصطلاح حقوقی ناشزه می گویند و به چنین زنی نفقه تعلق نمی گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۰۶)

در تعریف این لفظ بیان شده نشوز زن یا رعایت نکردن حقوق شوهر عبارت است از بیرون رفتن زن از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است و آنها عبارتند از: تمکین نکردن زوجه در مفهوم احص.

از بین نبردن آنچه مایه ی تنفر و ضد کامیابی و لذت بردن امور جنسی است.

ترک پاکیزگی و آرایش خود در صورتی که شوهر خواستار آن باشد.

بیرون رفتن از خانه بدون اجازه ی شوهر و غیر اینها. (موگهی، ۱۳۸۴، ص ۷۵ و ۷۶)

در نوشته های سایر نویسندگان نیز بر اهمیت اطاعت از زوج و آراستگی زوجه مطابق میل همسر اشاره شده و این موضوع مورد تاکید قرار گرفته که اطاعت از همسر در نوع آراستگی به گونه ای که موجب رضایت و مورد تایید او باشد، از مصادیق تمکین محسوب می گردد؛ به همین جهت یکی از وظایف زوجه این است که خود را مطابق میل همسر بیاراید و از آنچه موجب ایجاد نفرت و کاهش تمایل مرد می شود پرهیزد. (مشکینی، ۱۳۵۹، ص ۱۱۸)

آراستگی زن مطابق میل همسر همواره نزد معصومین مورد تاکید بوده است؛ چنانچه که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: لعن و نفرین بر زنانی که خود را برای ایجاد رغبت در شوهرانشان نیارایند و از حنا و سرمه استفاده نکنند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۱۷)

همچنین امام باقر علیه السلام در این خصوص فرمودند: زن باید با تمام وجود به شوهرش فکر کند و به هر طریقی که ممکن است و با هر نوع آرایش و زینتی دل شوهرش را به دست آورد.

(حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۴۶۰)

در برخی منابع فقهی نیز قید شده که زن شوهردار میبایست همیشه با زینت و آرایش باشد و هرگز نباید زینت را ترک نماید همچنین زن باید خود را با بهترین عطرها خوشبو سازد و با بهترین زینت ها خود را برای شوهر بیاراید. (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۷، ص ۱۳۲)

در نهایت آنچه در نتیجه ی بررسی دیدگاه های فقهی و حقوقی حاصل شد این است که یکی از حقوق مهم زوج نسبت به همسرش این است که زوجه خود را آن گونه که باب میل شوهر باشد بیاراید و از انجام کارهایی که موجب ناراحتی و بی رغبتی مرد می شود خودداری نماید. پرواضح است که موی زنان یکی از عوامل موثر بر زیبایی ظاهری در تمام ادوار بوده و کوتاه نمودن آن در صورت مخالفت زوج، چنانچه ایجاد نفرت و نارضایتی نماید، از مصادیق نشوز زوجه محسوب می گردد. لذا باید پذیرفت زن تنها در صورتی می تواند اقدام به فروش موهای خود نماید که همسرش نسبت به این موضوع رضایت داشته باشد، در غیر این صورت چنانچه در این موضوع خلاف رضایت مرد عمل نماید، این اقدام او از علائم نشوز محسوب گردیده و منجر به آثار و تبعات حقوقی خواهد شد.

۲-۶. فروش موی محجورین

آیا محجورین میتوانند موهای خود را به فروش برسانند و یا والدین و سرپرستان این اشخاص میتوانند اقدام به فروش موی آنها نمایند؟

یکی از شروط لازم برای صحت هر معامله اهلیت قانونی طرفین جهت ایجاد اراده ی انشایی می باشد. برخی از افراد به دلیل صغر سن و یا اختلال در قوای عقلی فاقد اهلیت استیفا یا تصرف

می باشند و قانونگذار آنها را از انجام تصرفات آزادانه در امورشان منع کرده است؛ به علاوه در فقه نیز برای معامله ی اجزای بدن عقل و رضایت شخص شرط لازم است و طبیعتاً محجورین به جهت فقدان اهلیت قادر نخواهند بود که طرف معامله فروش اموال و اجزای بدن خود قرار بگیرند . (فقیهی ، ۱۳۷۴ ، ج ۱۱، ص ۳۷۱)

بموجب قانون اداره ی امور محجورین به سرپرست او که حسب مورد ولی ، قیم ، نماینده قانونی و .. است سیرده می شود و به طور معمول وظیفه ی نمایندگان محجورین این است که در معاملاتی که به نمایندگی از افراد مذکور انجام می دهند مصلحت و غبطه ی محجور را رعایت نمایند (مغنیه ، ۱۴۲۱ ق، ص ۶۴۲) چنانچه سرپرست محجور از وظایف خود تخلف نموده و مرتکب تعدی و تفریط شود ، مثلاً اموال او را حیف و میل کند یا از اختیارات خود سوء استفاده نماید تصرفات او نافذ نیست و اگر از این رهگذر خسارتی بر مال ، جسم ، آبرو و .. محجور وارد گردد ، ضمانت اجرای تخلف سرپرست قانونی علاوه بر مسئولیت مدنی ، می تواند مجازات کیفری ، عزل یا انزال و بطلان و عدم نفوذ اعمال حقوقی او باشد. (صفایی و قاسم زاده ، ۱۳۹۵ ، ص ۳۲۴)

پیش تر بیان شد که در قاعده ی کلی ، ولی یا قیم بایستی در معاملاتی که به نمایندگی از محجور منعقد می نماید مصلحت او را رعایت نماید (علامه حلی ، بی تا ، ج ۲ ، ص ۸۰) و در غیر این صورت معامله ی آنها غیر نافذ خواهد بود و حتی برخی از فقها قائل بر بطلان چنین معاملاتی هستند . (طوسی ، ۱۳۸۷ ق، ج ۲ ، ص ۲۰۰) منتها درخصوص موضوع محل بحث ما که فروش موی محجور است و از مصادیق تصرف در جسم محسوب می گردد ، مقررات آمره دیگری مطرح شده است. مثلاً بموجب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان فروش موی افراد زیر ۱۸ سال ممنوع می باشد و تفاوتی ندارد که این معامله از جانب خود طفل باشد یا سرپرست وی ، به دلیل اینکه سرپرستان محجورین نمیتوانند اقدام به انجام معامله ای نمایند که بموجب آن طفل جزئی از

جسم خود را از دست بدهد؛ بالاخص اینکه در موارد متعددی مشاهده شده چنین اقدامی از جانب والدین بدون رضایت محجور صورت می گیرد، از این رو به دیدگاه برخی فقها ولی در این قبیل تصرفات نسبت به محجور ولایت ندارد. (علیان نژادی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۵) و (فیاض، ۱۴۲۶، ق، ص ۱۸۳) همچنین در منبع فقهی دیگری قید شده که اذن ولی یا سرپرست درخصوص جدا نمودن اجزای بدن به جهت ایراد آسیب جسمی و روحی بر محجور، نافذ و صحیح نیست. (جواهری، ۱۴۱۹، ق، ج ۲، ص ۳۵۰)

همانطور که بیان شد فتوای اکثر فقها منع برداشت و معامله ی اجزای بدن محجورین است و حتی به جهت اهمیت موضوع تصمیم گیری درخصوص جسم انسان، برخی معتقدند که اجازه ی اولیا در جدا نمودن اجزای بدن میت هم در صورت عدم وصیت او در زمان حیات موثر نیست (مومن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۲) زیرا اذن در صورتی موثر خواهد بود که شخص اذن دهنده مالک یا در حکم مالک باشد و ماذون فیه متعلق حق غیر نباشد؛ با این اوصاف تصرف در اجزای بدن دیگری بدون رضایت و قصد او از مصادیق تصرف در حق غیر خواهد بود و چنین اذنی فاقد اثر و باطل است. (انصاری، ۱۴۱۸، ق، ص ۳۹۷) البته دیدگاه مخالف نیز وجود دارد به این شرح که جدا نمودن اجزای بدن محجور مشروط به اینکه به مصلحت اقتصادی او بوده و مضربه حال او نباشد، با اجازه ی ولی نافذ است. (منتظری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸)

بنظر می رسد در جهت حمایت از سلامت جسمانی محجور و پیشگیری از سوء رفتار اولیا و سرپرستان نسبت به آنها، باید هرگونه معامله نسبت به اجزای بدن صغار و مجانین را غیرمجاز دانست، زیرا افرادی که از صحت عقل و اهلیت کامل برخوردار نیستند نمیتوانند جوانب قرارداد و مصلحت خویش را رعایت کنند و لذا قادر بر انشای معامله نخواهند بود، بخصوص در چنین معاملاتی که موضوع آن مرتبط با تمامیت جسمانی فرد می باشد این موضوع اهمیت دو چندان پیدا می کند. همچنین جایز دانستن انعقاد معاملات این چنینی از جانب سرپرستان محجورین نیز

زمینه را برای سوء استفاده از مقام و موقعیت آنها و تعرض به جسم افرادی که قادر بر دفاع از خود نبوده و نیازمند حمایت هستند، ایجاد می نماید. بنابراین جدای از بحث بطلان و بی اعتبار بودن معامله، بی تردید کسب منفعت مادی از طریق فروش اجزای بدن مجبورین همواره سودایی به دور از انسانیت و مغایر با اخلاق حسنه محسوب می گردد. به صراحت نص ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ هرگونه معامله راجع به طفل و نوجوان ممنوع است و جناحه با اهدافی مثل بهره کشی اقتصادی یا برداشت اعضا و جوارح او باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه ۴ در قانون مجازات اسلامی محکوم می گردد. به علاوه در ماده ۱۳ این قانون بیان گردیده که هرکس مرتکب انتقال، خرید و فروش و یا قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان شود، به مجازات حبس درجه ۳ در قانون مجازات اسلامی محکوم می گردد. بدیهی است که حکم مذکور در این قانون مبنی بر منع این قبیل معاملات، در جهت حمایت از کودکان و امنیت جسمی آنها در مقابل خطرات و آسیب های جسمی و روحی و پیشگیری از تعرض به تمامیت جسمانی این افراد بی دفاع وضع شده است.

۳-۶. فروش مو به غیر همجنس

پس از طرح نظریات گوناگون و شرح اقوال فقها، این پرسش مطرح می گردد که آیا خریدار و فروشنده در بیع موی طبیعی لزوماً بایستی از یک جنسیت (زن یا مرد) باشند؟ یا اینکه محدودیتی در این خصوص وجود ندارد و چنین معامله ای میان دو شخص غیر هم جنس نیز صحیح و معتبر است؟

اگرچه از منظر حقوقی حکم قانونی که خرید و فروش مالی را به جنس مخالف ممنوع یا محدود نموده باشد به چشم نمیخورد؛ از منظر فقهی این موضوع به لحاظ لزوم حفظ حجاب و پوشیده بودن موهای زنان در مقابل مردان، محل تأمل است. به منظور پاسخ به این پرسش در ادامه این مسئله ابتدا در خصوص خرید موی مردان توسط زن و سپس خرید موی زنان توسط مرد بررسی خواهد شد.

امام خمینی (ره) در این خصوص فرموده اند: برای زن جایز است که موی اشخاص دیگر را چه مرد باشد و چه زن، به موی خویش وصل کند. (یزدی، ۱۴۲۲، ص ۹۶۹)

می توان از این دیدگاه به عنوان مقدمه ای بر جواز خرید موی زنان و مردان برای زنی که میخواهد آن را به موهایش متصل نماید، استفاده کرد. زیرا مطابق قاعده فقهی، اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز می باشد؛ و اگر وصل نمودن موی زنان و مردان را برای یک زن جایز بدانیم این امر اقتضا مینماید که تهیه ی آن به طرق صحیح شرعی از جمله خرید و فروش، جایز باشد.

در پاسخ به اینکه آیا مرد میتواند موهای زنان را خریداری نموده و از آن استفاده کند؛ ابتدا باید حکم لمس و نگاه کردن به موی منفصل و بریده شده ی زن نامحرم را که لازمه ی این معامله است، بررسی کرد.

در این خصوص نظریات گوناگونی مطرح شده و برخی فقها قائل بر این هستند که حکم اجزای جدا شده از بدن مانند عضو متصل است و چنانچه نگاه کردن به عضوی از بدن نامحرم در حال اتصال حرام باشد، این حرمت در زمان انفصال عضو نیز استصحاب می شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ص ۴۵). در مقابل اکثریت فقها نگاه و لمس موهای جدا شده ی زن نامحرم را جایز دانسته و در ادامه به شرح دیدگاه این دسته پرداخته خواهد شد:

محقق خوئی نگاه به موی جدا شده را مطلقاً جایز دانسته، زیرا دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. (خوئی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۹۱). علامه در کتاب تذکره بیان نموده: اقرب آن است که نگاه به اجزای جدا شده حرام نیست، زیرا بیم فتنه ای از نگاه به آن نمی رود و میل شهوانی به آن تعلق نمی گیرد و از این جهت مانند سنگ است. (علامه حلی، بی تا، ص ۵۷۴)

آیت الله شبیری زنجانی نگاه کردن به موی جدا شده را جایز دانسته اند و در رابطه با نگاه به سایر اعضای جدا شده از بدن اصل برائت جاری نموده اند. (شبیری زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۹۶۱)

برخی دیگر از فقها ضمن توصیه به احتیاط و ترک نظر به اجزای جدا شده از بدن نامحرم ، در مجموع نظر صحیح را جواز نگاه به اجزای جدا شده میدانند . (مکارم شیرازی ، ۱۴۲۵ هـ . ق ، ص ۹۰) . در کتاب جواهر الکلام قید شده که بعید است نگاه به مواردی مانند ناخن ، دندان و مو پس از انفصال از بدن حرام باشد . (صاحب جواهر ، بی تا ، ص ۱۰۰)

در کتاب العروة الوثقی سید محمد کاظم یزدی مقرر شده : نگاه به عضو جدا شده از زن نامحرم مانند دست و بینی و زبان جایز نیست ولی نگاه به مواردی چون دندان و ناخن و مو جایز است و چنانچه زنی موهای زن دیگر را به موی خود وصل نماید ، این عمل جایز بوده و شوهر او میتواند به آن نگاه کند . (طباطبائی یزدی ، ۱۴۲۰ ، ص ۴۹۱)

به علاوه در خصوص این موضوع در منبع دیگری قید شده : حرمت لمس و نگاه به اجزای بدن نامحرم مخصوص زمانی است که اتصال یا حیات موجود باشد ، بنابراین در خصوص عضو مبان ادله اجتهادی برای اثبات حرمت قاصر خواهد بود و اصل براءت جاری میگردد . (خمینی ، ۱۴۱۸ ، ص ۴۱۰)

از جمع موارد فوق و با وحدت ملاک از پیوند سایر اعضای بدن که نسبت به غیر همجنس جایز است ، میتوان این حکم را به اجزای بدن ، مانند مو نیز تسری داد ، ضمن اینکه اطلاق کلام فقهای متأخر در خصوص جواز بیع موی طبیعی نیز همین دیدگاه را تقویت می نماید ؛ همچنین مقتضای اصل حلیت و براءت نیز دلالت بر جواز فروش موی مرد به زن و بالعکس را دارد . برخلاف فقه شیعه ، همانطور که سابقا اشاره کردیم مطابق دیدگاه اکثریت فقهای اهل تسنن اساسا بیع موی طبیعی به دلایل مختلفی از جمله نقض کرامت انسانی و عدم امکان انتفاع از آن جایز نیست . همچنین برخی این قیاس را به کار گرفته اند که هر آنچه خرید و فروش آن متصلا جایز نباشد را به صورت منفصل نیز نمیتوان معامله کرد . در خصوص حکم نگاه کردن به موی بریده شده نامحرم و سایر اجزای بدن که منفصل شده در کتاب الفقه الاسلامی مقرر شده : هر آنچه که در حال اتصال نگاه کردن به آن حرام باشد ، در حال انفصال نیز نگاه به آن حرام است ، مثل موی سر زنان .

همچنین متصل نمودن موی دیگری به موی خود، چه آن مو برای زن باشد یا مرد، حرام است، زیرا در آن فریب و تزویر وجود دارد. (زحیلی، ۱۴۰۹، ص ۵۶۸)

امام نووی در این خصوص بیان داشته که: وصل مو با موی انسان مطلقاً حرام است، چه این مو از مرد باشد یا زن و چه متعلق به محارم باشد یا غیر آن و در این خصوص هیچ اختلافی نیست. (عبدالنصر بن خضر، بی تا، ص ۴۵۰)

در منبع دیگری مقرر شده که: وصل مو با موی انسان حرام است، چه آن مو از زن باشد یا مرد و چه از شوهر یا غیر این افراد. (وزارت اوقاف کویت، ۱۴۱۴، ص ۳۴۶)

نتیجه گیری و ارائه ی پیشنهادات:

پس از بررسی مجموع نظریات ارائه شده در خصوص فروش موی طبیعی، احکام معامله و شرایط و ضوابط آن، نتیجه ی حاصله این است که در فقه و حقوق ایران خرید و فروش کالایی که واجد منافع عقلایی باشد معتبر و پذیرفته شده است و تولیدات بدن انسان از جمله موی اشخاص از این قاعده مستثنی نیست؛ البته نسبت به تصرفاتی که در جسم انسان صورت می گیرد همواره تاکید بر حفظ سلامت و عدم آسیب جدی به شخص فروشنده، مورد توجه فقها بوده و در کلام اکثریت آنها دیده می شود و چنانچه فقدان عضوی منجر به ورود آسیب جدی و جبران ناپذیر بر جسم شود، فروش آن عقلاً، شرعاً و عرفاً جایز نیست. البته این شرط منافاتی با جواز معامله ی موی انسان نخواهد داشت، چرا که کوتاه کردن و فروش مو اقدامی مخاطره آمیز نسبت به سلامت جسمانی محسوب نمی گردد و از تصرفاتی به شمار می رود که تاثیر موقتی و قابل جبران به همراه دارد؛ لذا امروزه خرید و فروش موی طبیعی مطابق دیدگاه اکثریت مراجع متأخر؛ با جمع سایر شرایط قانونی بلا مانع است، البته پذیرش این نظر به اتفاق آرای فقها نیست چرا که مطابق دیدگاه اکثریت فقهای اهل تسنن اساساً بیع موی طبیعی به دلایل مختلفی از جمله

نقض کرامت انسانی و عدم امکان انتفاع از آن جایز نیست. اما این موضوع را باید در نظر گرفت که اراده انسان تا زمانی که این اراده منشا ضرر به انسان نباشد و یا به عبارتی ناقض کرامت انسانی نباشد، حاکم خواهد بود. همچنین برخی از فقها این قیاس را به کار گرفته اند که هرآنچه خرید و فروش آن متصلاً جایز نباشد را به صورت منفصل نیز نمی توان معامله کرد. البته تردیدی در ناشی بودن زوجه در صورت فروش موی خود بدون رضایت شوهر (علی رغم صحت این بیع) و بطلان بیع موی محجور در صورت عدم رضایت ظاهری او وجود ندارد.

درخصوص موضوعاتی نظیر فروش موی انسان یا سایر اعضای غیر رئیسه بدن؛ همچنان ابهامات و خلأهایی به جهت فقدان منابع قانونی وجود دارد که این مشکل با وضع یک مجموعه قوانین مرتبط با امور پزشکی و انتقال اجزای بدن برطرف خواهد شد لذا پیشنهاد میگردد که قانونگذار محترم به در رابطه با این موضوع اقدامات لازم را به عمل بیاورد. همچنین علیرغم اینکه خرید و فروش موی کودکان در مقابل کسب منفعت مادی غیرقانونی به شمار می رود؛ اما امروزه در موارد عدیده مشاهده شده که والدین و سرپرستان در ازای دریافت مبلغی، کودک را برای فروش موهایش در اختیار آرایشگر قرار می دهند، ولو اینکه خود او رضایتی در این خصوص نداشته باشد. لذا پیشنهاد می گردد قوانین جدیدی درخصوص این موضوع تصویب گردد تا اینگونه معاملات به جهت حفظ شخصیت و مصلحت کودک، باطل اعلام گردد.

سپاسگزاری: نویسندگان از تمامی مؤلفین و نویسندگان گرامی که نتیجه ی پژوهش علمی آنان چراغ راهی در نگارش این تحقیق بود قدردانی می نماید.

منابع فارسی :

جعفری لنگرودی ، محمد ، (۱۳۸۱)، ترمینولوژی حقوق ، چاپ دوازدهم ، تهران ، ایران ، انتشارات کتابخانه گنج دانش

خامنه ای ، سید علی ، (۱۳۹۵)، / احکام پزشکی ، قم ، ایران ، نشر فقه روز

دهخدا ، علی اکبر ، (۱۳۷۷)، / لغت نامه ، جلد سیزدهم ، چاپ دوم ، تهران ، ایران ، انتشارات روزنه

شیرازی زنجانی ، موسی ، (۱۳۸۲)، کتاب نکاح ، جلد سوم ، قم ، ایران ، موسسه ی پژوهش رای پرداز

شهیدی ، مهدی ، (۱۳۸۶)، / تشکیل قرارداد ها و تعهدات ، جلد اول ، چاپ ششم ، تهران ، ایران ، انتشارات مجد

شهیدی ، مهدی ، (۱۳۹۹)، / حقوق مدنی ۳ تعهدات ، چاپ بیست و چهارم ، تهران ، ایران ، انتشارات مجد

صفایی ، سید حسین و امامی ، اسدالله ، (۱۳۸۸)، / مختصر حقوق خانواده ، چاپ چهاردهم ، تهران ، ایران ، نشر میزان

صفایی ، سید حسین و قاسم زاده ، سید مرتضی ، (۱۳۹۵)، / حقوق مدنی اشخاص و محجورین ، چاپ بیست و دوم ، تهران ، ایران ، انتشارات سمت

علیان نژادی ، ابوالقاسم ، (۱۳۷۵)، / مجموعه استفتائات جدید آیت الله مکارم شیرازی ، قم ، ایران ، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب

فیضی طالب ، عزیز ، (۱۳۸۸)، / پیوند اعضا ، اطلاع رسانی دیدگاه های فقهی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، انتشارات قضا

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، دوره حقوق مدنی خانواده، جلد اول، چاپ اول، تهران

، ایران، شرکت سهامی انتشار

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ بیست و یکم،

تهران، ایران، نشر میزان

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، اموال و مالکیت، چاپ سی و یکم، تهران، ایران، نشر میزان

مسجد سرائی، حمید، (۱۳۸۸)، فقه ۱، شرح لمعه دمشقیه، اصفهان، ایران، انتشارات اندیشه

های حقوقی

مشکینی، علی، (۱۳۵۹)، ازدواج در اسلام، تهران، ایران، انتشارات یاسر

منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۵)، احکام پزشکی، تهران، ایران، نشر سایه

موحدی لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳)، جامع المسائل، جلد اول، قم، ایران، نشر امیر

موگهی، عبدالرحیم، (۱۳۸۴)، احکام خانواده، چاپ بیست و پنجم، قم، ایران، دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم

ناصری مقدم، حسین و سلطانی، عباسعلی، (۱۳۹۹)، کرامت انسانی و فقه، پیش نیازها،

ظرفیت ها و چالش ها، خراسان رضوی، ایران، نشر پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی

دانشگاه فردوسی مشهد، نسخه دیجیتالی در اپلیکیشن فیدیو

نکونام، محمد رضا، (۱۳۸۶)، احکام پزشکی، چاپ اول، تهران، ایران، نشر ظهور شفق

نوری همدانی، آیت الله حاج شیخ حسین، (۱۳۸۸)، هزار و یک مسئله ی فقهی، جلد اول

، قم، ایران، نشر مهدی موعود (عج)

منابع عربی :

ابن المنذر ، محمد بن ابراهيم ، (١٤٠٥ هـ.ق) ، الاوسط في السنن والاجماع والاختلاف ، جلد دوم ، رياض ، عربستان ، نشر دار طيبه

ابن بابويه ، محمد بن علي ، (١٣٦١) ، معاني الاخبار ، قم ، ايران ، جامعه ي مدرسين حوزه علميه قم دفتر انتشارات اسلامي

ابن حجاج ، مسلم ، (١٤١٢ هـ.ق) ، صحيح مسلم ، جلد سوم ، بيروت ، لبنان ، نشر دار الحديث

ابن حجاج ، مسلم ، (١٣٤٧ هـ.ق) ، صحيح مسلم بشرح النووي ، جلد چهاردهم ، قاهره ، مصر ، مطبعه المصريه بالازهر

ابن حجر عسقلاني ، احمد بن علي ، بي تا ، فتح الباري بشرح صحيح البخاري ، جلد دهم ، بيروت ، لبنان ، نشر دارالمعرفه

ابن عابدين ، محمد امين الشهيد ، (١٤٢٣ ق) ، رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الابصار ، جلد نهم ، رياض ، عربستان ، دار عالم الكتب

ابن قدامه ، عبدالله بن احمد ، (١٤١٧ ق) ، المغني ، جلد ششم ، رياض ، عربستان ، دار عالم الكتب

ابن نجيم ، زين الدين بن ابراهيم ، بي تا ، البحر الرائق شرح كنز الدقائق ، جلد ششم ، المطبعه العلميه

البابرتي ، محمد ابن محمد ابن محمود الشيخ جمال الدين الرومي ، بي تا ، العناية شرح الهدايه ، جلد ٦ ، دارالفكر

البهوتي ، الشيخ منصور بن يونس بن ادريس الحنبلي ، (٢٠٠٣)، كشف القناع عن متن الافناع
بيروت ، لبنان، دار الكتب العلميه

العاملي ، زين الدين الجبعي (شهيد ثاني) ، (١٣٧١)، روضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه ،
چاپ ششم، قم، ايران، مكتب الاعلام الاسلامي

الكنوي ، محمد عبد الحى الشيباني ، (١٤١١ ق)، الجامع الصغير مع شرحه المنافع الكبير ، جلد
اول ، پاکستان ، اداره العلوم الاسلاميه پاکستان

المرداوى ، علاء الدين ابو الحسن على بن سليمان ، بى تا ، الانصاف فى معرفه الراجح من الخلاف
، جلد اول ، چاپ دوم ، عمان ، اردن، دار احياء التراث العربى

النووى ، ابو ذكريا يحيى بن شرف بن حسن الحوراني الشافعى ، (٢٠٠٩)، المجموع شرح مذهب
بيروت ، لبنان، دار الفكر

انصارى ، شيخ مرتضى ، (١٤٣٠ ق)، المكاسب ، جلد اول ، قم، ايران، سيماى كوثر

انصارى ، محمد ، (١٤١٨ ق)، الموسوعه الفقيه الميسره ، جلد اول ، قم، ايران، مجمع الفكر
الاسلامى

اهل حديث ، ملتقى ، (١٤٣٢ هـ ق)، ارشيف ملتقى اهل حديث ٣ ، جلد نود و هشتم و جلد هفتاد
و سوم ، بى جا

جواهرى ، حسن ، (١٤١٩ ق)، بحوث فى فقه المعاصر ، جلد دوم ، بيروت ، لبنان، دار الذخائر

حرانى ، ابو محمد حسين بن شعبه ، (١٣٨٧)، تحف العقول ، چاپ نهم ، قم، ايران، انتشارات آل
على

حر عاملی ، محمد بن حسن ، (۱۴۱۶ ق) ، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ،
جلد چهارم ، قم ، ایران ، موسسه ی آل بیت (ع)

خرشی ، محمد بن عبدالله ، (۱۴۲۷ ق) ، شرح الخرشی علی مختصر سیدی خلیل ، جلد اول
، بیروت ، لبنان المكتبة العصریه

خمینی ، روح الله ، (۱۳۹۲) ، المكاسب المحرمه ، جلد اول ، تهران ، ایران ، موسسه ی تنظیم و نشر
آثار امام خمینی

خمینی ، مصطفی ، (۱۴۱۸ هـ ق) ، مستند تحریر الوسیله ، جلد دوم ، تهران ، ایران ، موسسه ی تنظیم
و نشر آثار امام خمینی

خوئی ، ابوالقاسم ، (۱۴۱۸ هـ ق) ، موسوعه الامام خوئی ، جلد سی و دوم ، قم ، ایران ، نشر موسسه
ی احیاء آثار الامام خوئی

زحیلی ، وهبه ، (۱۴۰۹ هـ ق) ، الفقه الاسلامی وادلته ، جلد سوم ، دمشق ، سوریه ، نشر دارالفکر

زراعت ، عباس و مسجد سرابی ، حمید ، (۱۳۹۷) ، اصول الاستنباط ، چاپ پانزدهم ، قم ، ایران ،
انتشارات حقوق اسلامی

سنبهلی ، محمد برهان الدین ، (۱۴۰۸ هـ ق) ، قضایا فقیه معاصره ، دمشق ، بیروت ، نشر دارالعلوم

صاحب جواهر ، محمد حسن بن باقر ، بی تا ، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ، جلد بیست
و نهم ، بیروت ، لبنان ، نشر دار احیاء التراث العربی

طباطبایی یزدی ، سید محمد کاظم ، (۱۴۲۰ هـ ق) ، العروه الوثقی ، جلد پنجم ، قم ، ایران ، موسسه
ی نشر اسلامی

طبرسی ، فضل بن حسن ، (۱۴۰۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، جلد هفتم ، بیروت ، لبنان ، دارالمعرفه

طوسی ، ابوجعفر محمد بن حسن ، (۱۳۸۷ ق)، المبسوط ، تهران ، ایران ، مکتبه المرتضویه

عاملی جزینی ، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن مکی بن شامی (شهید اول) ، بی تا ، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه ، جلد سوم ، چاپ اول ، قم ، موسسه ی نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین

عبدالناصر بن خضر ، میلاد ، بی تا ، البیوع المحرمه و المنهی عنها ، مصر ، دار الهدی النبوی

علاء الدین کاسانی ، ابوبکر بن مسعود ، (۱۳۹۴ ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع ، جلد پنجم ، بیروت ، لبنان ، دار الکتب العربی

علامه حلی ، حسن بن یوسف ، بی تا ، تذکره الفقهاء ، جلد دوم ، تهران ، ایران ، مکتبه المرتضویه

علامه حلی ، حسن بن یوسف ، (۱۴۱۰)، نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام ، جلد دوم ، قم ، ایران ، انتشارات اسماعیلیان

فقیهی ، عبدالرحمن ، (۱۳۷۴)، بیع الاعضا الانسانی ، در مجموعه آثار کنگره بررسی مسائل فقهی ، جلد یازدهم ، تهران ، ایران ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

فیاض ، محمد اسحاق ، (۱۴۲۶)، المسائل مستحدثه ، کویت ، موسسه ی مرحوم محمد رفیع

مالک ابن انس ، ابوحنیفه نعمان بن ثابت ، (۱۹۸۵ م)، الموطا ، جلد اول ، بیروت ، لبنان ، دار احیاء التراث العربی

محسنی ، محمد آصف، (۱۳۸۲)، *الفقه و مسائل طیبیه* ، قم، ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

محقق کرکی ، علی بن حسین ، (۱۴۱۴ ه.ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد* ، جلد دوازدهم ، قم،
ایران ، نشر موسسه ی آل البيت

مغنیه ، محمد جواد ، (۱۴۲۱ ق)، *الفقه علی مذاهب الخمسه* ، جلد دوم ، قم ، ایران ، دار التیار
الجديد

مکارم شیرازی ، ناصر ، (۱۴۲۵ ه.ق)، *انوار الفقاهه کتاب نکاح* ، قم ، ایران ، نشر مدرسه الامام
علی بن ابی طالب

منلا خسرو ، محمد بن فرامرز بن علی الشهیر ، بی تا ، *درر الاحکام شرح غرر الاحکام* ، جلد
دوم ، دار احیا الکتب العربیه

موسوی خمینی ، روح الله ، (۱۴۳۴ ق)، *کتاب البیع* ، جلد اول ، تهران ، ایران ، موسسه ی تنظیم و
نشر آثار امام خمینی

مؤمن قمی ، محمد ، (۱۴۱۵ ق)، *کلمات سدیده فی مسائل جدیدہ* ، قم ، ایران ، موسسه ی نشر
اسلامی

نفرای ، احمد بن غنیم ، (۱۴۱۸ ق)، *الفواکه الدوانی* ، جلد دوم ، بیروت ، لبنان ، دار الکتب العلمیه

وزارت اوقاف کویت ، (۱۴۱۴ ه.ق)، *الموسوعه الفقهیه* ، جلد چهل و دوم ، کویت ، نشر دولت
کویت

یزدی ، محمد کاظم بن عبدالعظیم ، (۱۴۲۲ ه.ق)، *العروه الوثقی مع تعالیک الامام خمینی* ،

تهران، ایران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

یوسف عبدالله ، احمد ، (۱۴۲۷ ق) ، / احکام نقل / اعضاء / الانسان في فقه الاسلامي ، رياض

، عربستان ، دار كنوز اشبيليا

سایر منابع :

قرآن کریم

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

قانون مجازات اسلامی

قانون مدنی

فصلنامه ی قانون وكلا ، شماره ۱۲۳ ، امیر معزی ، احمد ، ۱۳۸۰ ، مطالعه ی تطبیقی ماده ۳۳۸

ق.م

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی آیت الله خامنه ای به نشانی :

www.leader.ir

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله مکارم به نشانی :

makarem.ir

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله سیستانی به نشانی :

www.sistani.org

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله شبیری زنجانی به نشانی :

zanjani.ir

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله وحید خراسانی به نشانی :

wahidkhorasani.com

استفتاء اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله فاضل لنکرانی به نشانی :

www.lankarani.com

نسخه پیش از انتشار

Analyzing the situation of natural hair sales

Abstract:

Despite the fact that many studies have been conducted on the trading of human body parts, there has been no scientific research on the status of trading in natural hair. This is an emerging issue that seemingly cannot be disputed, but it has caused disagreements among jurists. In the Iranian legal system and Imami jurisprudence, the purchase and sale of natural human hair, provided that the conditions of the contract are met, is not prohibited by law, Sharia, or morality. However, some Sunni jurists hold opposing views, believing that the sale and use of human hair is not permissible because it conflicts with the principle of respect for human dignity and the need to preserve human dignity. Given that the concepts of dignity and insult are relative and dependent on time and place, and considering the changes in the customs of society, the dynamics of Islam in the face of emerging issues and the needs of society today, these views can be adjusted. This research attempts to respond to the objections of opponents of selling human hair by examining to answer the ambiguities that exist due to the newness of the issue and the lack of a specific legal ruling in this regard, including the specific conditions of this type of transaction, the ruling on selling a woman's hair without her husband's permission, the sale of hair of disabled people by parents and guardians, and the trading of natural hair between men and women and vice versa.

Keywords: hair sale, permissible transactions, sale of body parts, ownership of the body, human dignity